

چالش‌های نویسندگی در مقالات

محمد صالح مصلحیان
دانشگاه فردوسی مشهد
آذر ۱۳۹۸



مملکت ما از دوره قاجار یک دفعه از دوره و تفکر فئودالی به دوره و اندیشه مدرن جهش کرد؛ بدون این که هیچ دوره تکاملی و تکوینی همچون رنسانس، عصر روشنگری، و انقلاب صنعتی را طی کرده باشد.



از دوره قاجار تاکنون هر چه را در غرب دیدیم و خوشمان آمده است
به ایران وارد کردیم:

در کتاب المآثر و الآثار در 1306 هجری قمری (حدود 135 سال پیش) به قلم
مرحوم محمد حسنخان اعتماد السلطنه آمده است:

شهرتهران خیابان کشی شده است، چاپارخانه ایجاد شده، بیمارستانی در
تهران افتتاح گردیده، کارخانه های تفنگ سازی به راه افتاده، ... دانشهای ذیل
رواج یافته است: زبان فرانسه و انگلیسی، شیمی، فیزیک، دواسازی فرنگی،
گیاهشناسی، جغرافیا، علم نقشه کشی، مساحی، قواعد مشق اقسام
توپها، مشق شمشیر، ...
تلگراف، چراغ برق، راه آهن، تلفون، عکاسی، اداره پلیس به سبک اروپایی،
تأثر به سبک اروپایی، دبستان به سبک اروپایی، ایجاد موزه، ...
انواع کارخانه: کارخانه ضرب سکه، سیگارسازی، قند، کاغذسازی، چای
سازی، شمع ریزی، ...
ورود تلسکوپ، گرماسنج، ارتفاع سنج، گرامافون، بالون، ...
رواج چیزهای جدید: خوردن چای، سواری با درشکه، زراعت نیشکر، زراعت
انواع توتون، ایجاد چاه آرتزین، استعمال تلمبه، استعمال کبریت، استعمال
چتر، ... ورود 47 نوع گیاه از جمله: گل مریم، گل میمونی، گل لادن، ... 21 نوع
سبزی خوردنی از جمله: هویج فرنگی، کنگر فرنگی، نخود فرنگی، ...

ناصرالدین شاه پس از یکی از سفرهایش به فرنگ در یک مراسم باله شرکت کرد. از لباس بالرین‌ها خوشش آمد و لباس تمام آنها را خرید و به ایران آورد و تن زنان حرمسرایش کرد، بدون توجه به مفهوم این لباس و کارکردهای آن.



درختی را از جایی آباد کنیدیم و در کویری خشک کاشتیم و دائم
نگران این بوده ایم که چرا میوه خوبی نمی دهد.

این حکایت علم و تکنولوژی در ایران است.

علم و فناوری غربی را بدون زمینه هایی که در آن به وجود آمده و
زیرساختهایی که آن در رشد کرده است، و بدون فرهنگ و فلسفه آن
وارد ایران کردیم.



ظاهر را گرفتیم و باطنش را رها کردیم. کدام باطن؟!

همان باطنی که میگوید:
علم محصول تعقل بی مرز و طبیعت‌شناسی نقادانه انسان‌هایی است که چشم خود را از لاهوت و گذشته بر ناسوت و آینده گردانیده‌اند. آنهایی که جهان را هم قابل فهم و هم قابل تغییر انگاشته‌اند و نیز خود را مخیر دانسته‌اند تا هر آن چه را که می‌خواهند بشناسند، بهبود بخشند و کنترل کنند؛ و به این ترتیب سرنوشت خود را رقم زنند.

علم و فناوری علاوه بر توسعه آسایش بشر، با روشهایشان بر تفکر انسانی و فلسفه‌های موجود اثر شگرفی گذاشته‌اند: **معانی کلاسیک حقیقت (درستی) و واقعیت (وجود) را به چالش کشیده‌اند، ارزشهای اخلاقی (خوبی و زیبایی) را نسبی و فردی کرده‌اند و نیز به گسترش این ایده کمک کرده‌اند که انسانها شبیه هم هستند و لذا باید از حقوق یکسان برخوردار باشند.**

ما حتی درک و برداشتمان از مفاهیمی که از کشورهای توسعه یافته اخذ کرده ایم نیز روشن نیست.

مانند علم، فناوری، رشد علمی، توسعه فناوری، همکاری بین المللی، دوره دکتری، ...

آیا برداشت ما از این مفاهیم اساساً درست و یا کارآمد است؟

کمیت گرایی نمی تواند ما را به توسعه علمی برساند بلکه باید به سمت کیفی گرایی برویم.

اما چه چیز کیفیت کارهای پژوهشی را در دانشگاهها و موسسات پژوهشی را تضمین می کند؟

- محققینی ماهر با فکر آزاد و آزادی فکر داشتن
- مواد و تجهیزات آزمایشگاهی خوب داشتن
- آمد و شد بین المللی داشتن
- منزلت و شأن اجتماعی درخور محققان داشتن
- ...

اما نه صرفا تعداد مقالات، آن هم مقالات بی فایده یا تکراری در حاشیه علم جهان!

ملاکها و شاخصهای کیفی رشد علمی (به سوی رهبری یا مرجعیت علمی) چیست؟

- سهم پژوهش از تولید ناخالص داخلی
- تأثیر اجتماعی (کارآفرینی، رفاه اجتماعی، رفع چالشهای محیط زیستی، و ...)
- تولید ثروت از طریق دانش فنی
- سرانه اختراع، ابتکار و اکتشاف بین المللی در هر یک میلیون نفر
- چاپ مقالات تأثیرگذار (مثلا در نیچر و ساینس)
- تعداد استنادها به آثار پژوهشی توسط محققان ارشد جهان
- شاخص هersh غیرخودی محققان و موسسات پژوهشی
- تعداد محققان به ازای یک میلیون نفر
- همکاری در پروژه های علمی بین المللی
- سخنرانی کلیدی در همایش های کشورهای توسعه یافته
- عضویت در هیئت تحریریه مجلات بین المللی ناشرهای معتبر (مانند الزویر، اشپرینگر، و ...)

ما همچنان که صدور نفت خام
داریم صدور دانش خام هم داریم.

هر فردي، مسئوليت ضمانت صحت
و اصالت كتاب ها، مقاله ها، گزارش
ها، رساله ها، و پايان نامه هايي كه
در آنها به نحوي مشاركت يا دخالت
دارد برعهده دارد.

- **نویسنده مسئول** يك مقاله (Corresponding Author)، فرد کلیدی در تصویب و راهبري پروژه (سرتیم پژوهشي) است و در صورت افزایش میزان اثر بخشي فرد دیگر در تیم نسبت به فرد اولیه، این عنوان قابل تفویض به افراد دیگر مي باشد.
- نویسنده مسئول، **مسئول مستقیم** محتوای علمي، مراقبت از اصالت، رعایت اخلاق انتشار، و اطمینان از عدم هم پوشانی با آثار دیگر است.
- ترتیب و ترکیب نویسندگان و انتخاب مجله با رعایت ضوابط دانشگاه به عهده نویسنده مسئول است.
- در صورت بروز هر نوع مشکل ناشي از اهمال و یا شکایت، نویسنده مسئول پاسخگوي اصلي است و بیشترین عواقب ناشي از هر گونه عدول از موارد فوق به عهده وي مي باشد. بدیهي است دیگر نویسندگان نیز به طور متناسب مسئولیت خواهند داشت.

اگر شخصی مقاله یا کتابی را منتشر و در آن از نوشته‌های دیگران به شکل مستقیم یا غیرمستقیم استفاده کند، اما

➤ از اشاره به منابع نوشتار خود به شکلی دقیق و صریح بپرهیزد،

➤ یا در این کار کوتاهی نماید،

➤ یا چنان وانمود کند که این نوشته حاصل تأملات شخصی اوست،

مرتکب عملی شده است که به آن انتحال یا دستبرد فکری می‌گویند.

مأخذ: سیدحسین اسلامی، چو دزدی با چراغ آید: سرقت علمی در سطح دانشگاهی، دو ماهنامه آینه پژوهش، دوره 22، شماره 127، بهار 1390، صفحه 7-17.

- ❑ **کپی-پیست (با یا بدون تغییر) بخشهایی از مقالات قبلی خود (دستبرد از خود) یا دیگر افراد در مقاله جدید بدون توضیح کافی و ارجاع دقیق.**
- ❑ **استفاده از اشکال و داده های دیگر افراد یا موسسات بدون اجازه و بدون ذکر دقیق مرجع.**
- ❑ **دروغ پردازی**
- ❑ **استفاده از ایده های دیگران در مقاله بدون ذکر صریح صاحب ایده.**
- ❑ **ترجمه آثار و افکار دیگران به نام خود.**

در آیین‌نامه نگارش شیکاگو The Chicago Manual of Style چنین آورده شده است:

- نویسندگان آثار بدیع می‌باید مباحث خود را با واژگان خود بیان نمایند.
- در صورت هرگونه تفسیر یا ذکر مستقیم از منبعی دیگر، می‌باید به واژگان و عقاید برگرفته از دیگران بها داده شود.
- حقایق شناخته شده عمومی Common facts، که در منابعی بسیار مورد اشاره واقع شده‌اند، به جز در مواردی که مستقیماً از منبعی خاص برگرفته شده باشند، نمی‌باید در میان نشانه‌های نقل قول به کار برده شده یا منبع آنان ذکر شود.

مأخذ: مهین ناز میردهقان، سرقت علمی: پیشگیری با آموزش، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی

با تشکر از توجه شما